

حکومت ایلخانی

پایتخت‌ها:
تبریز، مراغه و سلطانیه

مغول‌ها ۸۰۰ سال پیش به ایران حمله کردند

ایران پیش از حمله‌ی مغول

هشتصد سال پیش، خوارزمشاهیان در ایران حکومت می‌کردند. مردم زندگی پیشرفته‌ای داشتند و توانسته بودند شهرهای بزرگی بسازند. در هر شهر، کتاب‌خانه‌ها، مدرسه‌ها و مساجد بزرگ و زیبایی دیده می‌شد. دانشمندان بزرگی در ایران زندگی می‌کردند.

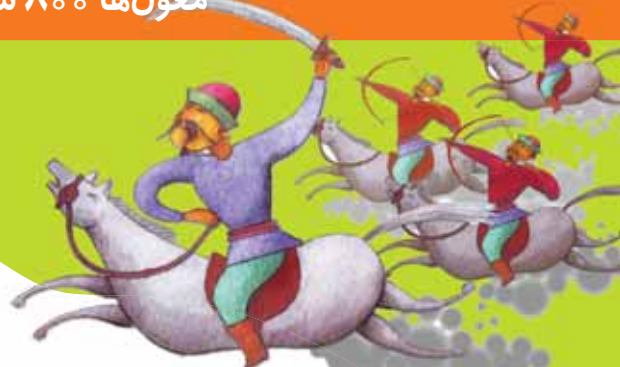


چنگیز خان

مشهورترین وحشی تاریخ

بالاخره یک نفر در بین مغول‌ها پیدا شد که زورش به همه‌ی قبیله‌ها رسید. پدرش اسم او را «تموچین» گذاشته بود. او بعداً اسم خودش را گذاشت چنگیز. مغول‌ها به او می‌گفتند خان بزرگ. بعدها به او گفتند: قاآن.

چنگیز خان بعد از این که شهر پکن در چین را تسخیر کرد، با ایران همسایه شد. او دوست داشت با ایرانیان تجارت کند، اما سلطان محمد خوارزمشاه دوست نداشت. چنگیز خان چهارصد و پنجاه نفر را به همراه انواع کالا به ایران فرستاد. وقتی آن‌ها به شهر مرزی اترار رسیدند، سلطان محمد، دستور داد همه‌ی آن‌ها را بکشند و کالاهایشان را از آن‌ها بگیرند. یک نفر از مغول‌ها که زبل‌تر بود فرار کرد. بعد هم همه چیز را برای چنگیز تعریف کرد.



مغول‌ها چه کسانی بودند؟

مغول‌ها، لوس و نتر و سواسی نبودند! اما شورش را در آورده بودند... اگر چیزی برای خوردن گیر نمی‌آوردند، شیش سرشان را می‌خوردند. گاهی برای تنوع، گوشت موش، گربه یا سگ هم می‌بختند. آن‌ها هر جانوری را که در اطرافشان می‌جنبید، به عنوان شام انتخاب می‌کردند!

مغول‌ها دامدار بودند. شتر و گوسفند واسب داشتند. ولی خیلی وقت‌ها خشکسالی پیش می‌آمد و هیچ موجود زنده‌ای هم برای خوردن پیدا نمی‌شد. بنابراین به قبیله‌های یکدیگر حمله می‌کردند و با دزدی از هم، روزگار می‌گذراندند. آن‌ها عاشق بیابان و صحرا بودند و از شهرها نفرت داشتند. مغول‌ها با هم متحد نبودند. یعنی یک رهبر مشترک نداشتند.

همه‌ی شپش‌های
سرم را خورده‌ام،
ولی هنوز گرسنه‌ام!



چرا گریه
می‌کنی عزیزم؟

دریای
خزر

مشهورهای دوران ایلخانی



خواجه نصیرالدین طوسی: او ریاضی‌دان و ستاره‌شناس بزرگ ایرانی بود که وزیر هلاکوی مغول شد. می‌گویند هلاکو بدون اجازه‌ی خواجه نصیر آب نمی‌خورد.

سعدی: شاعر و نویسنده‌ای شیرازی بود. به او می‌گویند: استاد سخن... بوستان و گلستان، کتاب‌های مشهور سعدی هستند...



مولوی: او شاعر بزرگی بود. نام کتاب مشهور او «مثنوی معنوی» است. داستان‌های این کتاب خیلی شیرین است.



حافظ: مشهورترین شاعر ایران است.

اولین اسکناس دنیا: گیخاتو، یکی از شاهان تنبل و خوشگذران مغول بود. در زمان او برای اولین بار در دنیا پول کاغذی (اسکناس) اختراع شد. نام آن را «چاو» گذاشتند. ولی مردم آن را به چشم کاغذ پاره می‌دیدند و نمی‌توانستند ارزش یک سکه‌ی نقره را با یک کاغذ معمولی برابر بدانند. بنابراین اسکناس‌ها جمع شد!

بناهای مشهور

گنبد سلطانیه: غازان خان شهری به نام سلطانیه ایجاد کرد. ایرانی‌ها گنبد زیبایی در این شهر ساختند. غازان، در همان جا دفن شده است.

رصدخانه‌ی مراغه: در زمانی که شهر مراغه پایتخت ایلخانان بود، به دستور خواجه نصیرالدین طوسی رصدخانه‌ای ساخته شد که مانند آن، در دنیا وجود نداشت. رصدخانه، محلی است که در آن به ستاره‌شناسی می‌پردازند.



رصدخانه‌ی مراغه



گنبد سلطانیه

ایرانیان در حکومت

کم کم وزیران و مشاوران ایرانی، وارد حکومت ایلخانان شدند. آن‌ها با زیرکی نگذاشتند که خونریزی و خرابی‌های بیشتری صورت بگیرد. مغول‌ها به تدریج مسلمان شدند. به جای آن که مسجدها و مدرسه‌ها را خراب کنند، خودشان هم مسجد و مدرسه و حمام عمومی می‌ساختند. به سفارش وزیران ایرانی، کتاب‌های مهمی با هزینه‌ی حاکمان مغولی نوشته شد.

مشهورترین حمله به ایران

چنگیزخان، با دویست هزار مغول خونخوار به ایران حمله کرد. در این حمله، مهم‌ترین شهرهای ایران با خاک یکسان شدند، شهرهایی مثل: بخارا، سمرقند، نیشابور، مرو و....

آن‌ها انسان‌ها، حیوانات و خانه‌ها، کتاب‌خانه‌ها و مسجدها را از بین می‌بردند. مغول‌ها بیشتر شهرها و روستاهای ایران را ویران کردند. ایرانی‌ها تا سال‌ها خواب راحت نداشتند.

جلال‌الدین، فرزند محمد خوارزمشاه، در مقابل مغولان ایستادگی کرد و در چند جنگ آن‌ها را شکست داد. اما در آخر مغول‌ها بر همه‌ی ایران مسلط شدند. خود سلطان محمد خوارزمشاه هم فرار کرد بعد، در جزیره‌ی آبسکون در دریای خزر از تنهایی و غصه مُرد.



سکه‌ی ایلخانی

حکومت ایلخانی

چهل سال بعد، یک مغول زردپوست دیگر، به نام هلاکو به ایران حمله کرد. هلاکو نوه‌ی چنگیز بود. ولی این بار مغولان آزار کمتری به مردم رساندند. با این حمله، دوران حکومت عباسیان پس از پانصد سال به پایان رسید. مغول‌ها در ایران سلسله‌ای به نام ایلخانی تشکیل دادند. ایلخانان از حکومت مرکزی مغولستان پیروی می‌کردند. آن‌ها در حدود هشتاد - نود سال بر ایران حکومت کردند. ایلخان یعنی کسی که رییس و بزرگ ایل است. سپاهیان مغول، گاهی برای گرفتن مالیات، کشاورزان را شکنجه می‌دادند. مردم ایران تا سال‌ها پس از حمله‌ی مغولان، افسرده و ناراحت بودند.

دریای پارس